

An Investigation into Language Identity and Second Language Identity Development (Case study: Province of Kurdistan)

Vol. 14, No. 4, Tome 76
pp. 127-155
September & October
2023

Maryam Salimi¹ , Adel Dastgoshadeh^{2*} , & Bahman Bayangani³ 

This article draws on the research of Kurdistan Province Residents to find out the correlation between language identity and language identity development. The present research is a descriptive survey, a type of correlational research method. For this purpose, 407 questionnaires were distributed among statistical samples. Sampling was done by proportional classification method. The reliability of the questionnaire was obtained and confirmed by Cronbach's alpha and its validity was confirmed by confirmatory factor analysis. The study was done in the light of Khatib and Rezaei (2013) and Taylor (2010) method, the language identity and the second language identity model. To test the research hypothesis, correlation test, Pearson test and structural equation model were used. The results show that except for pronunciation, there is a meaningful negative correlation among the categories of language identity and language identity development in residents living in Kurdistan province and regarding to language identity development, loyalty has the most explanatory role.

Keywords: Language identity, Language identity development, Kurdish language, the Province of Kurdistan

Received: 24 April 2021
Received in revised form: 3 July 2021
Accepted: 17 July 2021

¹ PhD Candidate in General Linguistics, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran;
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0003-4019-2871>

² Corresponding author, Assistant Professor of English Language Teaching, Department of English, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran; Email: adastgoshadeh@gmail.com,
ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0002-4932-7595>

³ Assistant Professor of Sociology, Department of Sociology and Communication, Golestan University, Gorgan, Iran; ORCID ID: <https://orcid.org/0000-0001-7038-0385>

The goals of the present research are as follows:

- To what extent is there a significant relationship between language identity and language identity development among the residents of Kurdistan province?

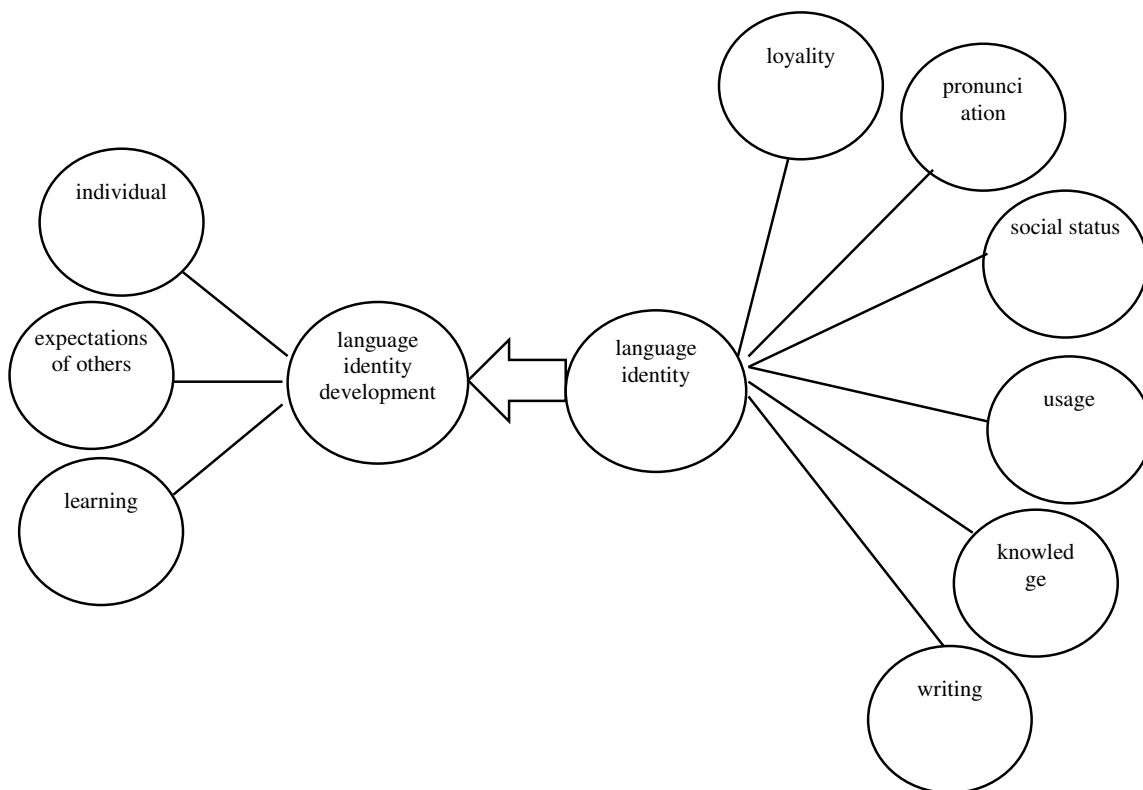
- To what extent is there a significant relationship between the dimensions of language identity and language identity development among the residents of Kurdistan province?

- Which of the dimensions of language identity play the greatest role in the language identity development of the residents of Kurdistan province?

As mentioned above, in this research, the model of language identity and second language identity of Khatib and Rezaei (2013) and Taylor (2010) has been used. Language identity includes 6 dimensions: loyalty, pronunciation, social status, usage, knowledge and writing, and language identity development also includes 3 dimensions: individual, expectations of others and learning, which were used after localization and purification the original treatise, 6 dimensions of Taylor's (2010). It is worth mentioning that a survey model has not been used in previous articles and studying, which is why the current article is considered innovative. Also, in terms of investigation in a specific society, this research is similar to the researches of Khatib and Rezaei (2013) and Hosseini (2016), in which the effect of second language education on the change of identity of the first language in a specific society is discussed.

According to the stated principles, the conceptual model of the research is proposed as follows:

Figure 1
 Conceptual model: Source Khatib and Rezaei (2013) and Taylor (2010)



In this study, descriptive and inferential statistical analysis methods were used to test the collected data. Factor analysis methods were used to obtain the criteria of the measurement model and also to match the proposed model with the facts of the statistical society.

In order to investigate the relationship between the variables of language identity and language identity development, due to the normality of the data, the parametric test of Pearson's correlation coefficient and the structural

equation model were used, and the results indicate that the relationship between these two variables is negative.

The results also show that there is a negative and significant relationship between loyalty and language identity development.

But as the Pearson correlation coefficient was higher than 0.05 and the significance value of the structural equation model test was higher than -1.96. the results Indicates the rejection of a meaningful relationship between pronunciation and language identity development.

In order to study the relationship between social status and language identity development, Pearson's correlation test and structural equation models were used. The results indicate the confirmation of relationship between these two variables.

And finally, in order to investigate the relationship between language use and language identity development, the parametric test of Pearson's correlation coefficient and the structural equation model were used, and the results indicated that the relationship between these two variables is negative.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۷۶)، مهر و آبان ۱۴۰۲، صص ۱۲۷-۱۵۵

مقاله پژوهشی

<http://dori.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.82.46>

بررسی رابطه بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در میان ساکنان استان کردستان

مریم سلیمی^۱، عادل دست‌گشاده^{۲*}، بهمن باینگانی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.
۲. استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در بین ساکنان استان کردستان است. پژوهش حاضر از نوع تحقیق توصیفی پیمایشی و در تقسیمات تحقیقات توصیفی از نوع روش تحقیق همبستگی است. به این منظور تعداد ۴۰۷ پرسش‌نامه استاندارد بین نمونه‌های آماری توزیع شد. نمونه‌گیری به طبقه‌بندی متناسب انجام شد. پایایی پرسش‌نامه به کمک آلفای کرونباخ به دست آمد و تأیید شد و روایی آن نیز به کمک تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. در این پژوهش از مدل هویت زبانی و هویت زبانی دوم خطیب و رضایی (۲۰۱۳) و تیلور (۲۰۱۰) استفاده شده است. برای بررسی فرضیه پژوهش از آزمون همبستگی، آزمون پیرسون و نیز مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج حاکی از آن است که بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در شهروندان ساکن استان کردستان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. نیز به جز بُعد تلفظ بین سایر ابعاد هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، که از آن میان، بُعد وفاداری بیشترین تأثیر را داشته است.

واژه‌های کلیدی: هویت زبانی، هویت‌پذیری، زبان کردی، استان کردستان.

Email: adastgoshadeh@gmail.com

*نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

در طول تاریخ زبان به‌ویژه با آفرینش نظام معنایی قابل‌فهم در تعامل اجتماعی مهم‌ترین ابزار ارتباطی به‌شمار می‌آید. به‌علاوه زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بُعد جغرافیایی و همجواری سرزمینی، تا حد زیادی وجه نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به‌عهده بگیرد. بنابراین در میان عناصر هویتی، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۲). زبان و هویت، دو جزء جدایی‌ناپذیر در تشکیل زیرساخت‌های جوامع بشری در عرصه روابط فردی و اجتماعی هستند. هویت به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی که یک فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود. اریکسون بر این باور است که هویت فرد را در فرایند معنابخشی به خود و نیز پیدا کردن جایگاه خود در جهان نامحدود یاری می‌کند. به گفته موهان شایلندرا^۱ (۲۰۱۳) زبان و داشتن یک زبان اضافی مانند داشتن لباس یا ابزار اضافی موردنیاز برای موقعیت یا هدف متفاوت است.

هویت‌پذیری همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها و به‌طور کلی با هویت یک گروه دیگر به‌جز هویت خود شخص است. انسان کمال‌گرا همواره در صدد است تا هویت زبانی جدیدی را کسب کند. بنابراین، گاهی نیازهای اجتماعی، فرد را به استفاده از زبان دوم مجبور می‌کند، زیرا هویت‌های منتج از زبان اول به‌تنهایی نمی‌توانند نیاز زبان کاربر را برطرف کند. تسلط داشتن به زبان دوم باعث نمی‌شود که هویت زبانی تغییر کند. درواقع، هویت به‌تدریج در طول زندگی شکل می‌گیرد و چیزی که باعث تغییر آن می‌شود، گذر زمان و نیز تجربیاتی است که طی زندگی به‌دست می‌آید.

کاهش اعتبار زبان منطقه‌ای یا مادری می‌تواند موجب شود که کاربر این زبان، به‌ویژه در سنین کم، در استفاده از زبان مادری خود با موانع روانی مواجه شود. تشویق‌های پنهانی یا آشکار در استفاده نکردن از زبان مادری همواره بر ذهن کاربر زبانی تأثیر می‌گذارد. عدم استفاده از زبان مادری خطری نهفته را در پی دارد. همچنان که عیلانی^۲ (۲۰۱۲) بر این باور است استفاده کم‌تر از زبان مغلوب به‌تدریج موجب کنار گذاشتن فرهنگ زبان منطقه‌ای و نابودی آن می‌شود.

امروزه تحقیقات بر روی بسیاری از زبان‌ها به حدی رسیده است که منتج به ساخت سیستم‌های هوشمند خودکار، تشخیص گفتار یا تبدیل گفتار به متن، فرهنگ‌های معنامحور و شبکه‌ای، ترجمه‌های ماشینی دقیق و سایر امکانات ضروری دنیای کنونی شده است، اما متأسفانه در مورد بسیاری از زبان‌های ایرانی از جمله زبان کردی وضعیت به این گونه نیست. استان کردستان به دلیل گوناگونی زبانی همواره شاهد پدیده چندزبانگی در بین اهالی بومی بوده است. بی‌توجهی به بحث آموزش زبان مادری و نیز ایجاد ارتباط بین زبان و هویت زبانی کردی در بین شهروندان باعث شده ساکنان استان دچار یک نوع سردرگمی و گم‌گشتگی در میان زبان‌های مورداستفاده و هویت‌های ناشی از آن شوند و در نتیجه خودآگاه و ناخودآگاه هویت هر یک از زبان‌های غیربومی را بر زبان مادری ترجیح دهند. لذا کاهش اعتبار زبان منطقه‌ای یا مادری می‌تواند موجب شود که کاربر این زبان، به‌ویژه در سنین کم، در استفاده از زبان مادری خود با موانع روانی مواجه شود. چراکه زبان یکی از کلیدی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت انسان‌ها و تعامل زبان با مذهب، ملیت، نژاد، قومیت و جنسیت در عصر جهانی‌سازی و انقلاب اطلاعاتی هویت‌های قومی و فردی را بسیار متحول کرده است (Warschauer, 2003).

با توجه به مطالب فوق، اهداف غایی پژوهش حاضر به قرار زیر است:

- تا چه اندازه بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در بین ساکنان استان کردستان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- تا چه اندازه بین ابعاد هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در بین ساکنان استان کردستان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
- کدام یک از ابعاد هویت زبانی بیشترین نقش را در هویت‌پذیری زبانی ساکنان استان کردستان ایفا می‌کنند؟

۲. پیشینه تحقیق

تحقیق و کندوکاو در یادگیری زبان دوم یا زبان خارجه و ساختار هویت زبان‌آموزان همواره از مهم‌ترین موضوعات مورد تحقیق بوده است (Anbreen, 2015). زبان ابزاری برای برقراری ارتباط است، اما در عین حال می‌تواند وسیله‌ای برای ابراز هویت فرد و احساسات وی و نحوه

برقراری ارتباط او با دنیای خارج باشد (Norton, 2000) مطالعاتی در مورد نشان دادن تأثیر یادگیری زبان انگلیسی بر هویت زبان‌آموزان در کشورهای انگلیسی‌زبان انجام شده است. اما مطالعات و تحقیقات در زمینه بررسی تأثیر یادگیری زبان دوم بر هویت افراد در یک کشور غیرانگلیسی‌زبان، به خصوص در کشورهای اسلامی بسیار نادر است.

جاوید (۱۳۸۲) اعتقاد دارد پدیده جهانی شدن موجب شده است نظام‌های فرهنگی کوچک‌تر در نظام‌های فرهنگی بزرگ‌تر ادغام شوند. به بیان دیگر، زندگی در جامعه جهانی مبتنی بر فناوری اطلاعات می‌تواند منتهی به طبقه‌بندی اجتماعی جدید شود که در آن ادغام زبانی به ادغام فرهنگی منجر خواهد شد. در روند جهانی شدن، گسترش فرهنگ غربی با گسترش زبان غربی ارتباط تنگاتنگ دارد. با ورود عادت‌ها، ایده‌ها و کالاهای غربی، زبان غربی هم همراه آن‌ها برای توصیف اشیا و مفاهیم جدید وارد می‌شود.

رضایی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «زبان عرصه هویت‌زایی و هویت‌زدایی» تصریح می‌کند تأکید بر زبان به گونه‌ای است که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، «زبان» شاخص اصلی هویت‌دهی به فرهنگ ملی است. ارتباط زبان با ذهن، روح، هویت زبانی، فکر و اندیشه سخنگویان زبان مادری، بسیاری از جوامع استعمارگر را بر این واداشت که برای تسخیر و استعمار جوامع دیگر بر تسخیر زبان و هویت زبانی تأکید کنند. بر همین اساس ملتی که فاقد زبانی فعال، که آینه جوانب هستی اجتماعی‌اش باشد، آسان‌تر بیگانه می‌شود و راه نابودی را می‌پیماید.

فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) نیز به بررسی موضوع احساس تعلق به هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران با تأکید بر جوانان پیرانشهر می‌پردازند. این تحقیق که بر وضعیت معیشتی جوانان این منطقه و به خصوص وجود روابط قانونی و غیرقانونی مبادله کالا با کردستان عراق تأکید داشته است، گویای آن است که جوانان پیرانشهر علی‌رغم شرایط جهانی شدن، به دلیل رواج گسترده رسانه‌های زبان کردی مثل ماهواره، هویت‌های جماعت‌گرایانه قومی خود را تقویت کرده‌اند. مهم‌ترین عناصر این هویت عبارت‌اند از: زبان، لباس، وفاداری سرزمینی و ملی‌گرایی قومی، پای‌بندی به آداب‌ورسوم و فرهنگ قومی و از همه مهم‌تر باور داشتن به هویت قومی خود. کوردها به لحاظ هویت فرهنگی، خود را با سایر اقوام ایرانی مشترک می‌دانند؛ هر چند میان هویت ایرانی و حوزه سیاسی فاصله‌گذاری

مشخصی انجام می‌دهند

قمری و حسن‌زاده (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که هویت ملی و زبان ملی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. از یک سو هویت ملی بیشتر براساس زبان ملی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، زبان ملی متأثر از هویت ملی است. رویکرد نوین زبان‌شناسان حاکی از آن است که نظام شناختی و ادراکی انسان از ساختار زبانی جدا نیست، به عبارت دیگر زبان نه تنها در بیان واقعیت‌ها و شناخت پیرامون، خنثی نیست، بلکه در ساخت واقعیت‌ها اثرگذار است و مفاهیم و تعامل انسانی از جهان را بازگو می‌کند.

میرزایی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «مطالعه انسان‌شناختی هویت زبانی مهاجران افغان در ایران» سعی کرده است که ارتباط زبان را با مقوله هویت در بین مهاجران افغان (نسل دوم و سوم) نشان دهد. وی می‌نویسد بعد از گذشت ربع قرن از حضور وسیع افغان‌ها در ایران، هم‌اکنون نسل دوم و سوم مهاجران در حال تجربه موقعیتی تازه هستند تا بتوانند به هویت جدیدی دست یابند. این پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که شکل‌گیری زبان و گویش جدید به این منجر می‌شود که هویتی جدید شکل بگیرد؛ به بیان دیگر، هویت جدید از خلال زبان جدید پدید می‌آید.

حسینی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به ساختار هویت زبان‌آموزان انگلیسی در کشورهای اسلامی مانند پاکستان پرداخت که زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم فرامی‌گیرند. در این تحقیق تأثیر زبان انگلیسی بر هویت افراد به صورت کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. چهل دانشجوی زبان انگلیسی در دانشگاه لاهور پاکستان، به عنوان یک کشور اسلامی در منطقه که زبان انگلیسی سال‌ها در کنار زبان اردو زبان رسمی این کشور بوده و پس از گذر از استعمار همچنان زبان دوم کشور محسوب می‌شود، شرکت کرده‌اند. شرکت‌کنندگان به یک پرسش‌نامه و مصاحبه پاسخ دادند. نتایج نشان دادند که هویت این افراد سیال و در حال تغییر است. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان آموزشی، سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که دانشجویان و زبان‌آموزان بتوانند در حین یادگیری زبان دیگر، هویت اصلی خود را حفظ و تقویت کنند، به نوعی که خود را به عنوان یک مسلمان خوب و یک فرد صلح‌طلب در جامعه جهانی معرفی و به مسلمان بودن خود افتخار کنند. در این صورت نه تنها تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند

خود مشوق و مبلغ فرهنگ اسلامی در دیگر کشورهای غیراسلامی باشند. جنکیز (۱۳۸۱، صص ۷-۸) نیز بیان کرد آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد شباهتی است که باعث تفاوت آن‌ها از گروه‌های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت معناهایی هستند که افراد آن‌ها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری فرایند تفاوت و شباهت‌ها را عینیت می‌بخشد. بر این اساس، یک گروه یا حتی یک فرد می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون هویت‌های متعددی برای خود بسازد و خود را بدان‌ها متعلق بداند. «اصولاً زندگی اجتماعی بدون وجود راهی برای دانستن این‌که دیگران کیست‌اند و بدون نوعی درک از این‌که خود ما کیستیم غیرقابل‌تصور است».

گرنوبل^۱ و وایلی^۲ (۱۹۹۹) بر این اعتقادند که آنچه ادامه کاربرد زبان را در آینده تضمین می‌کند همان پرستیژ یا اعتباری است که با آن زبان همراه است. علاوه بر آن، زبان‌هایی از اعتبار برخوردار می‌شوند که دارای پیشینه غنی در ادبیات باشند، در رسانه‌های گروهی ملی یا منطقه‌ای به کار روند، در فرایند مبادلات تجاری و اقتصادی مورداستفاده قرار گیرند، یا زبان یک مذهب پرطرفدار باشند. آن‌ها تأکید می‌ورزند که اگرچه هر یک از این عوامل می‌توانند در اعتباربخشی به یک زبان نقش داشته باشند، اما رابطه آن‌ها با یکدیگر رابطه‌ای علی مستقیم نیست.

دورین^۳ (۱۹۹۹، pp. 5-20) به تفکر زبانی حاضر در جهان غرب با عنوان «ایدئولوژی زبانی غرب» اشاره می‌کند که دورنمای آینده زبان‌های کوچک و اقلیت را مبهم ساخته است. همیشه قدرت‌های حاکم در طول تاریخ، ملت‌های تحت‌سلطه را به دست کشیدن از زبان اجدادی‌شان مجبور نکرده‌اند. برای نمونه، امپراتوری عثمانی مجموعه‌ای از گروه‌های نژادی مختلف با زبان‌های گوناگون را تحت‌سلطه خود درآورد، اما به همگی آن‌ها اجازه داد هویت نژادی‌شان، از جمله زبان و مذهب بومی را حفظ کنند. اما رشد تفکر «ملی‌گرایی» مقارن عصر صنعت، در اروپای غربی موجب پیدایش نگرشی انعطاف‌ناپذیر نسبت به گروه‌های زبانی کوچک‌تر شده است. نمونه بارز این گونه ناشکیبایی را می‌توان در سیاست‌های دولت فرانسه پس از انقلاب دهه ۱۷۹۰ تاکنون مشاهده کرد. ایجاد یک هویت ملی واحد برای فرانسویان پس

از انقلاب، تا حدودی یک زبان ملی واحد را می‌طلبید و از این رو اقدامات سیاستمداران در راستای تقویت زبان ملی و نادیده گرفتن یا مخالفت با زبان‌های اقلیت یا بیگانه متمرکز شد. دورین همچین در مقاله خود با عنوان «ایدئولوژی زبانی غرب و دورنمای زبان‌های کوچک» به دو باور رایج در میان اروپاییان به عنوان دو عامل تهدیدکننده بالقوه برای بقای زبان‌های اقلیت اشاره می‌کند. باور نخست اعتقاد به این مسئله است که زبان‌های متناسب‌تر و سازگارتر باقی می‌مانند و زبان‌هایی که به‌طور طبیعی قدرت سازگاری با محیط اجتماعی پیرامون را ندارند محکوم به فنا هستند. در این راستا عده‌ای از اروپاییان به مزیت زبان‌های ملی اروپا مانند انگلیسی، فرانسه و آلمانی و عده‌ای از اروپاییان به مزیت تمام زبان‌های هند و اروپایی برای سازگاری با محیط معتقدند. این همان عقیده «داروینیسیم اجتماعی» درباره زبان است که کرافورد (1998, p.5) در مورد پیامدهای ناخوشایند آن هشدار می‌دهد و در علم نوین زبان‌شناسی جایگاهی ندارد.

۳. چارچوب نظری

هویت یا «الهویة» کلمه‌ای عربی است. این کلمه از «هو» یعنی او، که ضمیر غایب مفرد مذکر است، می‌آید. از همین «هو» لفظ مرکب «هُوَ هو» یا «الهُو هو» را ساخته‌اند که اسم مرکب است و معرفه به «ال». معنای این اسم، «اتحاد به ذات» یا انطباق با ذات است. محمدعلی فروغی در کتاب سیر حکمت در اروپا در برابر کلمه فرانسوی Identite (انگلیسی: identity)، کلمه «این‌همانی» را به جای «هویت» متداول عربی به‌کار برد. اما با این‌که وضع واژه سره مزبور در چارچوب فعالیت و مصوبات «فرهنگستان» به‌اصطلاح «اول» (دوره رضاشاه) بود، کلمه «این‌همانی» که در معنی ساده و قابل‌فهم است، نتوانسته جایگزین «هویت» شود. همچنان‌که وقتی در کشورهای عربی از «بطاقة الهویة» یا «ورقة الهویة» صحبت می‌کنند، در ایران «کارت شناسایی» یا «برگه شناسایی» را به‌کار می‌برند، نه کارت یا برگه «این‌همانی». این خود می‌رساند که کلمه «هویت» از روز اول در تاراج سره‌سازی و دوری جستن غالباً غیرضروری از «عرب‌مآبی» دچار تعرض شده، ولی حداقل تا امروز از آن معرکه با تن سالم رهایی یافته و به حفظ کیان خود نائل آمده است (دستجردی، ۱۳۹۴). در دهه‌های اخیر هویت

در ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و دینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی علوم انسانی و اجتماعی موردتوجه صاحب‌نظران و دانشمندان قرار گرفته است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، هویت را به معنی شخصیت یا وجود عینی افراد یا اشخاص آورده است. کوشش برای یافتن معنا در زندگی اغلب معطوف به کسب هویت ثابت است. در منطق، در بررسی مفهوم هویت، پرسش از کیستی و چیستی فرد به‌میان می‌آید (مظفر، ۱۳۶۶، ص. ۸۹). اریکسون معتقد است «هویت» فرد را در فرایند معنابخشی به خود و نیز پیدا کردن جایگاه خود در جهان نامحدود، آن‌هم در میان گستره وسیعی از امکانات، یاری می‌کند (Shoartz, 2005). جایگاه اصلی هویت به‌گونه‌ای است که «اگر اصل هویت از فکر بشر خارج شود، آنگاه بشر نسبت به هیچ چیز تصویری نخواهد داشت (به‌نقل از ادیبی سده و جلالی اکردی، ۱۳۹۴).

با توسعه تاریخی مفهوم هویت، دو نگرش متداول، اما متضاد برای چیستی و چگونگی هویت وجود دارد. در نگرش سنتی، به‌خصوص قبل از توسعه صنعتی، هویت به‌عنوان ساختاری بر پایه شناسایی منابع آشنا و تقسیم‌شده که شامل دسته‌های قومی، زبانی، مذهبی، تاریخی، لشگری، فرهنگی و سیاسی تعریف می‌شود. مفاهیم آشنایی و تقسیم در این تعریف همچنین با معانی همانندی و تعلق و اتحاد در ارتباط هستند. زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بُعد جغرافیا و همجواری سرزمینی، تا حد زیادی وجه نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده بگیرد. بنابراین در میان عناصر هویتی، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد. بی‌شک، زبان یکی از کلیدی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت انسان‌هاست و تعامل زبان با مذهب، ملیت، نژاد، قومیت و جنسیت در عصر جهانی‌سازی و انقلاب اطلاعاتی هویت‌های قومی و فردی را بسیار متحول کرده است. پیدایش شیوه‌های بیان جدید مانند تلفیق اسپانیایی و انگلیسی یا ترکیب فارسی با انگلیسی در دنیای حاضر، امری انکارناپذیر است. علاوه بر این در بسیاری از مناطق دنیا مردم آن‌قدر که به یادگیری زبان انگلیسی اهمیت می‌دهند، به یادگیری و حفظ زبان بومی خود اهمیت نمی‌دهند. البته، دخیل بودن زبان در شکل‌گیری هویت‌ها و فرهنگ‌ها محدود به زمان و مکان خاص نیست. زبان را برپایه فرهنگ، تاریخ‌ساز و مهم‌ترین وسیله انتقال

تجربیات، دانش و بینش بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان دانسته‌اند. زبان عمده‌ترین ابزار یادگیری بشر در جریان کنش متقابل است و برخی آن را ابزار تفکر انسان تلقی کرده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۷۸).

بنابراین هویت زبانی دارای مفاهیم پیچیده‌ای است. از نگاه یک اروپایی، مانند اوکز^۴ (۲۰۰۱)، قومیت و هویت زبان قومی در زبان روزمره برای ارجاع به اقلیت‌های قومی به‌کار می‌روند. در فرهنگ غربی صفت اغلب همراه است با موضوعاتی که به‌عنوان بیگانه یا غیراروپایی در نظر گرفته می‌شود. در استرالیا، معنی آن حتی محدودتر هم شده است و مربوط می‌شود به اعضای یک جامعه که اغلب مهاجر یا از نژاد مهاجرانی هستند که زبان اصلی‌شان انگلیسی نیست. این تعاریف از هویت زبانی، ریشه در تعریف فرهنگ غرب از قومیت دارد که به‌کلی با بحث آن در ایران متفاوت است و بنابراین چارچوب‌های تلقی آن را نمی‌توان در مورد هویت قومی در ایران به‌کار گرفت. آنچه ما در این مقاله و در کل در اصطلاحات رایج زبان‌شناسی اجتماعی می‌شناسیم و به آن باور داریم، با آنچه در فرهنگ زبانی غربی از آن یاد می‌شود تفاوت اساسی دارد. قوم و هویت زبان قومی در فرهنگ ایرانی به اقوام اصیلی اشاره دارد که به‌لحاظ قدمت، ملیت و اصالت هیچ برتری یا کهنتری نسبت به بقیه اقوام ندارند. اقوام ایرانی برخلاف اقوام موردنظر اوکز و دیگران هویت‌های مهاجرتی، دینی یا نژادی مغلوب، اقلیت یا متأخرتر ندارند. هر قوم در ایران بخشی از ملیتی را می‌سازد که بدون آن هویت ملی نیز رنگ هویت نخواهد داشت (به نقل از ابولحسنی و مالمیر، ۱۳۹۶).

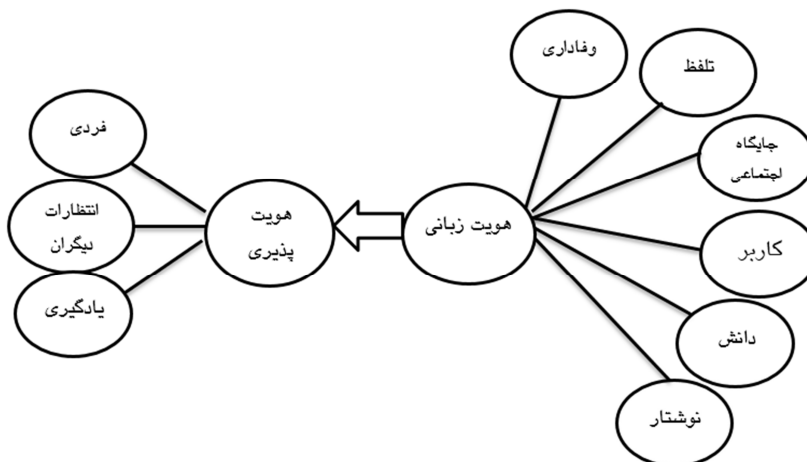
در سرزمین‌هایی که هنوز زبان استاندارد آن‌ها به زبان ملی تبدیل نشده است نقش زبانه‌ای محلی برجسته‌تر می‌شود در چنین جوامعی، یا حتی در جوامعی که زبان ملی دارند. زبان به‌جز برای حاکمان و ادبا به‌سختی می‌تواند معیاری برای وابستگی ملی باشد و وابستگی‌های زبانی، همان وابستگی‌های ملی نیستند. زیرا، واژه ملی حامل برگ خریدهایی است که باید در کل محیط جغرافیایی معین یک کشور کاربرد داشته باشد. برگ خریدهایی نظیر پول مشترک، پایتخت مشترک، اقتصاد مشترک، ارتش مشترک، مرزهای مشترک ... در چنین ممالکی، چندزبانی بودن و احترام متقابل زبان‌ها، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در جایی که چندین زبان مختلف در کنار یکدیگر وجود دارند، چندزبانی بودن چنان عادی

است که اطلاق هر نوع هویتی اختصاصی براساس زبان امری کاملاً مندرآوردی به نظر خواهد رسید. از این رهگذر است که هویت زبانی افراد در چنین محیط‌هایی لاجرم هویت ملی آن‌ها به حساب نمی‌آید. زبان حامل هویت است و هویت‌پذیری به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها و به‌طور کلی با هویت یک گروه دیگر به‌جز هویت خود است (قمری و حسن‌زاده، ۱۳۸۹).

با تقبل این‌که هر زبانی در حال تغییر است، زبان پاک و ثابتی را نمی‌توان متصور شد. از این رهگذر نیز به سیار بودن هویت زبانی می‌توان پی برد. این هویت، اگر در جوامع سنتی قابل‌دسترس بود، در جوامع مدرن پنداری بیش نیست. در این جوامع، هر هویتی ازجمله هویت زبانی به‌دلیل تغییرات مداومی که دارند، به قول داریوش شایگان چهل تکه هستند. چنانچه این واقعیت مدنظر قرار گیرد و یکسانی سطوح زبان‌ها نیز در کنار آن قرار داده شود، می‌توان به این نتیجه منطقی رسید که فعالیت برای شکوفایی و کاربرد افزون‌تر زبان تنها از طریق تفوق‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند جامه عمل بپوشد و اصرار در برتری زبانی، با برجسته کردن زورگویی متکلمان زبان دیگر، ره به‌جایی نخواهد برد (چایلی، ۱۳۸۲).

در این پژوهش از مدل هویت زبان و هویت زبان دوم خطیب و رضایی (2013) و تیلور (2010) استفاده شده است که در آن هویت زبانی شامل شش بُعد: وفاداری، تلفظ، جایگاه اجتماعی، کاربرد، دانش و نوشتار است و هویت‌پذیری زبانی نیز شامل سه بُعد: فردی، انتظارات دیگران و یادگیری است که در رساله اصلی تیلور (2010) شش بُعد استفاده شده بود که پس از بومی‌سازی و تخلیص در سه بُعد یادشده مورداستفاده قرار گرفت. گفتنی است که برای مطالعه و بررسی هویت زبانی تاکنون مدلی پیمایشی در مقالات پیشین کار نشده است که از این بابت مقاله جاری دارای نوآوری محسوب می‌شود. همچنین از حیث بررسی در یک جامعه خاص این پژوهش مشابه پژوهش‌های خطیب و رضایی (2013) و حسینی (۱۳۹۶) است که در آن از تأثیر آموزش زبان دوم بر تغییر هویت زبان اول در یک جامعه خاص بحث می‌شود.

با توجه به مبانی بیان‌شده مدل مفهومی پژوهش به‌صورت ذیل پیشنهاد می‌شود:



شکل ۱: مدل مفهومی (Khatib & Rezaei, 2013; Taylor, 2010)

Figure 1: Conceptual model (source: Khatib and Rezaei, 2013; Taylor, 2010)

فرضیه اصلی:

- به نظر می‌رسد بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- به نظر می‌رسد بین وفاداری و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین تلفظ و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین جایگاه اجتماعی و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کاربرد و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین دانش و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نوشتار و هویت‌پذیری زبانی رابطه وجود دارد.

۴. روش‌شناسی

از دید روش، این مطالعه به دنبال تعیین روابط علی چند متغیر پنهان با مؤلفه‌های آشکار و

بررسی میزان برازندگی و کفایت داده‌های گردآوری‌شده با الگوی پیش‌بینی‌شده است، پس مستلزم استفاده از روش‌های تحقیق هم‌بستگی، با تأکید بر روش‌های تحلیل‌های عاملی و مدل‌یابی معادلات ساختاری است. از دیدگاه روش‌شناسی، این مقاله به‌صورت توصیفی از نوع پیمایشی است. با توجه به کاربردی بودن نتایج، در زمره پژوهش‌های کاربردی است و از دید زمانی و اجرایی نیز، به‌تناسب نحوه توزیع و تحلیل سؤال‌ها، یک پژوهش مقطعی - عرضی است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان شهری ساکن در استان کردستان است. با توجه به متفاوت بودن تعداد جمعیت هر شهر نیاز بود تا تناسب در نمونه‌گیری از شهرها رعایت شود. با توجه به این‌که جامعه آماری پژوهش محدود و برابر ۱۳۴۰۲۲۹ نفر است، جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای جامعه محدود استفاده شده است که با توجه به این فرمول حجم نمونه به‌اندازه ۳۸۴ نفر تعیین شد. از آنجایی‌که احتمال می‌رفت نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌ها کمتر از ۱۰۰ درصد باشد، لذا جهت حل این مشکل، تعداد ۴۲۲ پرسش‌نامه استاندارد (۱۰ درصد بیشتر از حجم نمونه برآوردشده) میان افراد جامعه توزیع شد. از ۴۲۲ پرسش‌نامه توزیع‌شده، ۴۱۶ پرسش‌نامه بازگشت داده شد، پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها و حذف پرسش‌نامه‌هایی که دارای داده‌های گم‌شده بودند، درکل تعداد ۴۰۷ پرسش‌نامه (بانه ۴۰، بیجار ۱۹، دهگلان ۱۱، دیواندره ۱۲، سروآباد ۳، سقز ۶۱، سنندج ۱۵۲، قروه ۳۵، کامیاران ۲۰، مریوان ۵۴) موردتحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از پرسش‌نامه‌های استاندارد بهره گرفته شده است. پرسش‌نامه هویت زبانی که شامل هجده سؤال از مدل (Khatib & Rezaie, 2003) برگرفته شده که شامل شش بُعد؛ وفاداری (افکار و احساسات افراد نسبت به زبان اول در مقایسه با زبان دوم و شامل سؤالات ۱، ۲، ۳)، تلفظ (نگرش افراد نسبت به لهجه‌ای که در هنگام استفاده از زبان اول پیدا می‌کنند و شامل سؤالات ۴، ۵، ۶)، جایگاه اجتماعی (میزان افتخاری که فرد نسبت به زبان اول خود دارد و شامل سؤالات ۷، ۸)، کاربرد (میزان استفاده روزانه افراد از زبان دوم و شامل سؤالات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)، دانش (میزان اطلاعاتی که افراد نسبت به تاریخچه و ادبیات زبان اول خود دارند و شامل سؤالات ۱۳، ۱۴، ۱۵) و نوشتار (میزان اطلاعاتی که افراد نسبت به ساختار زبانی و دستور زبان الفبایی و رسم و خط اول خود دارند و شامل سؤالات ۱۶، ۱۷، ۱۸) است. پرسش‌نامه هویت‌پذیری زبانی که شامل ده سؤال از مدل تایلر (Taylor, 2010) برگرفته

شده که شامل سه بُعد؛ فردی (میزان مهارت و تسلط بر زبان دوم و شامل سؤالات ۱۹، ۲۰، ۲۱)، انتظارات دیگران (تصویر ذهنی از دیگران درمورد دانش زبان دوم و شامل سؤالات ۲۲، ۲۳، ۲۴) و یادگیری (تلاش درمورد بهبود زبان دوم و شامل سؤالات ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸) است. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده به مقدار آن به ترتیب ۰/۹۱۱، ۰/۹۲۰، ۰/۸۸۳، ۰/۹۴۱، ۰/۹۱۹، ۰/۹۱۲، ۰/۹۲۱، ۰/۹۱۴ و ۰/۹۴۸ است و برای سنجش روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است که اکثر ضرایب بارهای عاملی در سطح بالایی بوده و ضرایب اعداد معنی‌داری نیز مناسب هستند. برای بررسی روابط بین متغیرها از روش همبستگی پیرسون و نیز رگرسیون استفاده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل‌ها و یافته‌های آماری، محققان را به‌سوی شناخت بهتر، هدایت و زمینه را برای پژوهش‌های بعدی آماده می‌سازد. در این مطالعه جهت آزمون داده‌های گردآوری‌شده، از روش‌های تحلیل آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. به این صورت که از روش‌های تحلیل عاملی برای به‌دست دادن معیارهای مدل اندازه‌گیری و تطبیق الگوی پیشنهادی با واقعیت‌های جامعه آماری استفاده شد.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های اولیه حاکی از آن است که ۱۷۱ نفر (۴۲ درصد) از پاسخ‌دهندگان زن و ۲۳۶ نفر (۵۸ درصد) مرد هستند همچنین بیشتر پاسخ‌گویان (۱۳۱ نفر (۳۲.۲ درصد)) بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن دارند، بیشتر آن‌ها ۱۹۰ نفر (۴۶.۷ درصد) دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس هستند و ۱۵۲ نفر (۳۷.۳ درصد) در شهر سنندج ساکن هستند در این پژوهش بیشتر پاسخ‌گویان ۱۴۶ نفر (۳۵.۹ درصد) بین ۱.۵ تا ۲ میلیون تومان درآمد دارند. طبق نتایج به‌دست‌آمده میانگین متغیر مستقل هویت زبانی ۳/۱۳ و متغیر وابسته هویت‌پذیری، ۱/۷۷ است. یافته‌ها حاکی از آن است که هویت زبانی تقریباً در وضعیت میانگین قرار دارد، درحالی‌که هویت‌پذیری در بین ساکنان استان کردستان پایین است.

یافته‌های استنباطی

در بخش استنباطی، نخست برای بررسی توزیع داده‌ها و تأیید به‌هنگار بودن آن‌ها (بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها) از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد و نتیجه این آزمون، نشان داد سطح معنی‌داری (sig) متغیرها بیشتر از (۰/۰۵) بوده و توزیع داده‌ها غیر نرمال بوده و لازم است از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی

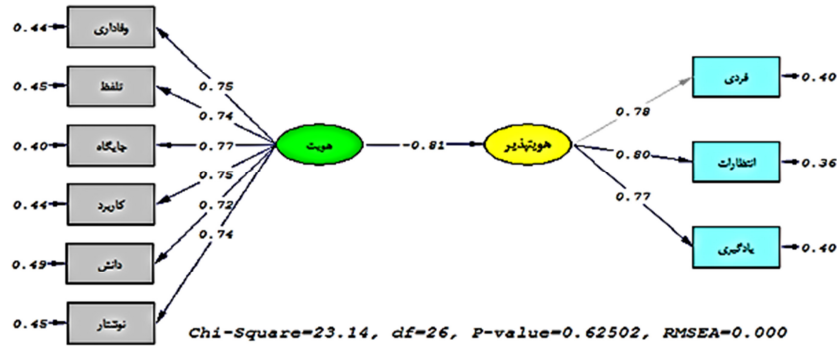
Table 1: Correlation test results

متغیرهای موردبررسی	ضریب همبستگی پیرسون	همبستگی (sig) دوطرفه	نتیجه آزمون
هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی	۰/۶۸۹**	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
وفاداری و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
تلفظ و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۲۲	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
جایگاه اجتماعی و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۵۴	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
کاربرد و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۴۷	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
دانش و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است
نوشتار و هویت‌پذیری زبانی	۰/۵۵۰	۰/۰۰۰	ارتباط معنی‌دار است

با توجه به نتایج آزمون همبستگی سطح معنی‌داری ارتباط بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. بنابراین میان دو متغیر هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی ارتباط معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد که برابر با ۰/۶۸۹- است. بنابراین بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در شهروندان ساکن استان کردستان رابطه وجود دارد.

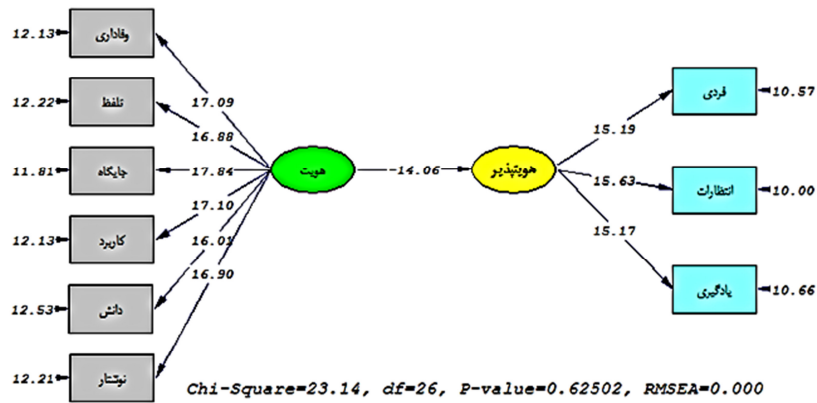
طبق نتایج مدل معادلات ساختاری بار عاملی (استاندارد سلوشن) بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی برابر با ۰/۸۱- است، به این معنی که ۸۱ درصد از هویت‌پذیری زبانی توسط هویت زبانی تبیین می‌شود. نتایج این بخش در دو حالت بار عاملی و عدد معنی‌داری آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود عدد معنی‌داری بیشتر از ۱/۹۶- (۱۴/۰۶-) بوده

بنابراین رابطه معنی دار است.



شکل ۲: نتایج مدل معادلات ساختاری بار عاملی

Figure 2: The results of the Structural equation model of factor loading



شکل ۳: نتایج مدل معادلات ساختاری عدد معنی داری

Figure 3: The results of the structural equation model of the significant number

همچنین نتایج آزمون رگرسیون برای ابعاد هویت زبانی در جدول ۲ آمده است

جدول ۲: نتایج آزمون رگرسیون
Table 2: Regression test results

معنی داری	t	ضرایب		ابعاد
		ضرایب غیراستاندارد Beta	Std. Error B	
.۰۰۰	۳۹/۹۴۳		.۱۲۹	ثابت
.۰۰۸	-۲/۶۵۹	-.۱۳۴	.۰۴۵	وفاداری
.۱۱۰	-۱/۶۰۲	-.۰۸۱	.۰۴۵	تلفظ
.۰۱۹	-۲/۳۶۱	-.۱۲۳	.۰۴۴	اجتماعی جایگاه
.۰۰۴	-۲/۹۱۱	-.۱۴۸	.۰۴۴	کاربرد
.۰۰۰	-۴/۶۷۳	-.۲۲۴	.۰۴۲	دانش
.۰۰۱	-۳/۲۳۸	-.۱۶۲	.۰۴۴	نوشتار

همان‌طور که مشاهده می‌شود به‌جز بعد تلفظ که سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ دارد سایر ابعاد هویت زبانی بیشتر از ۰/۰۵ هستند. بنابراین روی هویت‌پذیری زبانی نقش مؤثری دارند که در این بین بعد دانش بیشترین و بُعد جایگاه اجتماعی کم‌ترین نقش را دارد

۶. نتیجه

در پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی و همبستگی به بررسی رابطه بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی در بین ساکنان استان کردستان پرداخته شد. به این منظور پس از مطالعه پژوهش‌های پیشین و استخراج مدل مفهومی از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا به پرسش‌نامه‌های استاندارد در سه بخش مورد مطالعه پاسخ دهند. پس از جمع‌آوری داده‌های اولیه و انجام آزمون‌های توصیفی و استنباطی به بررسی روابط یک‌طرفه و دوطرفه متغیرها پرداخته شد که نتایج حاکی از تأیید تمام فرضیات تعریف‌شده است

به‌منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی، با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و نیز مدل معادلات

ساختاری استفاده شد که نتایج حاکی از تأیید فرضیه مبنی بر منفی بودن رابطه بین این دو متغیر است. این نتایج با نتایج پژوهش نورتون (2012) و بلاک (2007) همخوانی دارد. یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که مؤید رابطه بین هویت و هویت‌پذیری زبانی است نظریه نورتون (2012) است. این نظریه براساس تغییر مفهوم فرد، زبان و یادگیری زبان جدید بنا نهاده شده است. بسیاری از محققان از جمله ریستو (2005)، زونگر و میلر (2006)، بلاک (2007)، سواين و دتر (2007)، منارد و واریچ (2009) نیز به همین نظریه نورتون استناد کرده‌اند که نقشی اساسی در تعیین رابطه بین هویت زبانی و هویت‌پذیری زبانی دارد. چگونگی پاسخ افراد به هویت‌پذیری و رابطه‌ای که با سایر زبان‌ها پیدا می‌کنند همگی با هویت آن‌ها در ارتباط است. هر زمان که یک فرد در معرض زبان دیگری قرار می‌گیرد در واقع به‌مانند آن است که هویت اصلی خود با هویت زبان دوم به مذاکره و مجادله می‌پردازد تا یکی از آن دو هویت پیروز شود. از طرف دیگر اگر یک فرد به یادگیری زبان دوم علاقه داشته باشد، نسبت به یادگیری علائم و ساختارهای زبانی و هویتی آن زبان نیز علاقه‌مند می‌شود در این مسئله باعث جذاب‌تر شدن بُعد فرهنگی زبان دوم خواهد شد. اما اگر فرد به شدت تحت تأثیر هویت زبان مادری خود باشد برای مثال فردی میهن‌پرست، یا نژادپرست باشد یا گرایش‌های فرهنگی خاصی داشته باشد، آنگاه جذب ویژگی‌های هویتی زبان دیگری نخواهد شد و حتی این عدم هویت‌پذیری روی یادگیری او نیز تأثیر منفی خواهد داشت. در شرایطی که فرد فضای یادگیری زبان دوم را محلی برای تصور کردن آرزوها یا تجدید خاطرات قبلی خود از افراد و موقعیت‌های خاص بداند، این احتمال وجود دارد که تنها در زمان یادگیری هویت زبان دوم را بر هویت اصلی خود ترجیح دهد، اما چون زمان یادگیری محدود است پس از اتمام دوره یادگیری باز به هویت اصلی خود بازخواهد گشت. نظریه دیگر حاصل مطالعات بلاک (2007) است. براساس آن زمانی که فردی از مرزهای جغرافیایی خود خارج و با هویتی جدید روبه‌رو می‌شود محیط جدید اجتماعی و فرهنگی، هویت آن‌ها را دستخوش تلاطم می‌کند تا زمانی که این دو هویت اصلی و هویت زبانی دوم به تعادل برسند. هراندازه زمان این بی‌ثباتی و تقابل هویت زبانی اصلی و هویت زبان دوم بیشتر باشد، احتمال هویت‌پذیری بیشتر می‌شود.

نتایج فرضیه دوم فرعی نیز مشابه فرضیه اول است؛ به این معنی که بین وفاداری و

هویت‌پذیری زبانی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. این فرضیه با یافته‌های شوامی^۵ (2006) همخوانی دارد. بر این اساس معروف‌ترین ایدئولوژی‌های زبان را می‌توان در میان سخنوران آن زبان شناخت. این ایدئولوژی‌ها حاکی از آن است که زبان‌ها نشانه‌های گروه‌ها هستند به طوری که دانستن هر زبانی نشان‌دهنده وفاداری، وطن‌خواهی و خودی بودن است، درحالی‌که دانستن زبان‌های دیگر مفهومی برعکس دارد. به طوری که برای مثال در سال ۱۳۵۹ ادعای تعلق داشتن استان خوزستان به عراق از سوی رئیس‌جمهور وقت این کشور بر این اساس بود که دانستن زبان عربی (به‌عنوان زبان دوم) به مفهوم وفاداری به زبان و در نتیجه پیدا کردن هویتی عرب است. همچنین دانستن زبان عبری نمادی از وفاداری به آن زبان و تفکر اسرائیلی برای سخنوران آن بود که به ایجاد جامعه یهودی در کشور فلسطین منجر شد.

اما در مورد فرضیه سوم نتایج متفاوتی به دست آمد، چراکه ضریب همبستگی پیرسون از ۰/۰۵ بیشتر بوده و نیز عدد معنی‌داری آزمون مدل معادلات ساختاری برای آن فرضیه از ۱/۹۶- بیشتر است. نتایج حاکی از رد فرضیه مبنی بر معنی‌دار بودن رابطه بین تلفظ و هویت‌پذیری زبانی است که هم‌راستا با نتایج تحقیقات بلاک (2007) است. بلاک در ادامه نظریه خود را به تحقیقات دیگری از جمله کارهای پاولنکو و لانتلوف (2000) بسط می‌دهد که در آن روی یک سری از مهاجران چینی به کشور بریتانیا تحقیقات به عمل آمده بود. طبق این مطالعات زمانی که یک فرد وارد محدوده جغرافیایی جدیدی می‌شود ممکن است نام و نام خانوادگی او به شکلی دیگر تلفظ شود که در نهایت به اختیارسازی هویت جدید منجر شود. هر اندازه فرد روی تلفظ نام خود به همان زبان مادری خود اصرار داشته باشد، احتمال هویت‌پذیری او کمتر می‌شود. در واقع پذیرش فرد در جامعه جدید منوط به پذیرش هویت زبانی جدیدی می‌شود که خاستگاه آن تغییر نشانه‌های هویت زبان اول است.

همچنین به منظور بررسی ارتباط بین جایگاه اجتماعی و هویت‌پذیری زبانی، با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و نیز مدل معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج حاکی از تأیید فرضیه مبنی بر منفی بودن رابطه بین این دو متغیر است. یافته‌های فعلی با یافته‌های حسینی (۱۳۹۶) همخوانی و جای بحث دارد. طبق

نتایج این تحقیق هویت زبان‌آموزان انگلیسی با زبان مادری پاکستانی سیال و در حال تغییر است. بنابراین می‌توان در جامعه کردی نیز به این نتیجه‌گیری رسید که به نظر می‌رسد نیازهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین اهمیت اجتماعی که توسط نخبگان حاکم بر جامعه به زبان فارسی داده شده است آن را به زبانی خیلی مهم تبدیل کرد، به طوری که وضعیتی متمایزتر از زبان کردی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی پیدا کرده است.

در مورد کاربرد زبان و هویت‌پذیری زبانی همچنان نتایج مؤید وجود رابطه منفی و معنی‌دار است. نتایج این فرضیه با پژوهش یومانا و بازجیان^۱ (2006) همخوانی دارد. بررسی توسعه هویت قومی در بین دانش‌آموزان گروه اقلیت و اکثریت مهاجران پرتوریکوی در آمریکا نشان داد که دانش‌آموزان اقلیتی که توانایی بیشتری در استفاده از زبان مادری‌شان در طول زندگی دارند، از هویت قومی بالاتر و در نتیجه هویت ملی کم‌تری نسبت به دیگر دانش‌آموزان برخوردار بوده‌اند.

اگرچه در این پژوهش بین دانش و هویت‌پذیری زبانی، رابطه‌ای معنی‌دار به دست آمد، اما در این خصوص در ادبیات پیشین موارد مشابهی یافت نشد.

و در آخر به منظور بررسی ارتباط بین کاربرد و هویت‌پذیری زبانی، با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون پارامتریک ضریب هم‌بستگی پیرسون و نیز مدل معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج حاکی از تأیید فرضیه مبنی بر منفی بودن رابطه بین این دو متغیر است. این یافته با یافته‌های ژو^۲ (2000) هم‌راستا است. ژو (2000) معتقد است در جامعه‌ای که دارای الفبای نوشتاری همگون است، هویت زبانی قوی‌تری نسبت به جامعه فاقد نظام نوشتاری زبان مادری وجود دارد؛ به این معنی که تنها استفاده شفاهی از زبان مادری نمی‌تواند به تقویت و عدم هویت‌پذیری منجر شود.

۷. پیشنهادها

انسان‌ها اصولاً با یادگیری زبان جدید به‌عنوان یک فرصت برای مطالعه فرهنگ‌های دیگر استفاده می‌کنند غافل از این‌که این فرایند می‌تواند به تغییر رفتارهای فرهنگ زبان مادری و در نهایت گرایش به سمت هویت زبان دوم بینجامد. بنابراین باید راهکاری ارائه کرد که ضمن

آموزش زبان جدید فرد از هویت کنونی خود آن‌چنان فاصله نگیرد. برخی از اقدامات به شرح زیر است

یکی از نکات مثبت مدیریت رسانه‌های دولتی در ایران، اختصاص شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی به صورت بومی است. از این بابت نیز کانال‌های رسانه‌ای استان کردستان نیز جزو ابزارهای ترویج به‌شمار می‌روند. رسانه امروزه مهم‌ترین ابزار ارتباطی جمعی محسوب می‌شود. اگرچه به دلیل سیاست‌های کلی رسانه ملی و تمرکزگرایی روی زبان فارسی، کاربرد حداکثری زبان مادری در رسانه‌های دیداری و شنیداری محلی به خوبی حفظ نشده است، اما در همین فضای کنونی نیز می‌توان همشهریان را به استفاده از زبان مادری تشویق کرد. بنابراین رسانه‌های دولتی استان کردستان مانند رادیو و تلویزیون می‌توانند با حفظ ضوابط ملی نسبت به تشویق شهروندان کردزبان برای یادگیری زبان و مطالعه تاریخ و فرهنگ زبان کردی و هویت کردی بپردازند. استفاده از فرهیختگان و ادیبان بومی در تولیدات صداوسیما و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی در برنامه‌های روزانه از جمله این اقدامات تشویقی است.

خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین جامعه آموزشی که در آن افراد شروع به یادگیری مداوم می‌کنند، شناخته شده است. اختصاص برنامه‌های مجزایی توسط مدارس که هزینه‌های آن نیز توسط خود جامعه اولیا و مربیان نیز مدیریت می‌شود و طی آن والدین به استفاده بهتر و بیشتر از زبان مادری ولو به شکل دست‌ورزبانی در محیط خانواده تشویق و تعلیم می‌شوند، و می‌تواند اثربخش باشد.

پیشنهادهای کاربردی

به دلیل برخی محدودیت‌ها ماهیت این مطالعه کمی و پیمایشی است، در صورتی که به روش کیفی انجام می‌شد، امکان تعمیم دادن یافته‌ها نیز عمق بیشتری پیدا می‌کرد. با توجه به محدودیت پیشینه تحقیق در زمینه هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی درمورد شدت روابط نیز تحقیقات وسیع‌تری صورت گیرد. همچنین با توجه به تداخل نقش سایر ابعاد هویت مانند هویت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی روی هویت‌پذیری زبانی می‌توان در کارهای بعدی روی نقش تعدیل‌کنندگی یا میانجی‌گری این زیرمجموعه‌ها نیز مطالعه کرد.

یکی از محدودیت‌های پژوهش نبود ادبیات موضوعی در حوزه زبان و فرهنگ کردی در توسعه هویت زبانی بود که دلیل آن نیز برخی ملاحظات قومی و تاریخی است که مانع از توسعه ادبیات کردی در این بخش شده است بنابراین محقق می‌تواند با تمرکز روی مبحث ناسیونالیستی هویت کردی و نقش آن روی هویت زبان کردی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر هویت‌پذیری را نیز به مدل اضافه کند.

با توجه به تفاوت‌های قومی و فرهنگی لهجه‌های مختلف کردی در ایران و جهان نسبت به هویت زبان کردی می‌توان این تحقیق را در سایر شهرهای کردزبان مانند استان کرمانشاه، ایلام، لرستان، خراسان شمالی و آذربایجان غربی نیز تکرار کرد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Grenoble
2. Whaley
3. Dorian
4. Oakes
5. Shohamy
6. Umana & Yazedjian
7. Zhou

۹. منابع

- ابولحسنی، ز. و مالمیر، م. (۱۳۹۶). هویت زبانی قومی به‌مثابه هویت ملی (بررسی میزان گرایش به آشکارسازی هویت زبانی ترک‌زبانان ساکن تهران). *نامه فرهنگستان*، ۱۶(۲)، ۱۶۳-۱۹۲.
- ادیبی سده، م. و جلالی اکردی، ه. (۱۳۹۴). مدیریت بدن و هویت ملی جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر ساری). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۵(۱۷)، ۹-۳۲.
- انصاف‌پور، ن. (۱۳۹۶). *واژه‌نامه گویش مردم اوز همراه با اصطلاحات*. *مصدرها، ضرب‌المثل‌ها و دستور زبان گویش اوزی*. تهران: اختران.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه ت. یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- چایلی، ص. (۱۳۸۲). *هویت و زبان*. ناشران: هاشمی سودمند، اختر.

- حسینی، م. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش زبان انگلیسی بر هویت زبان آموزان در کشورهای اسلامی پسامستمره: مطالعه موردی پاکستان. *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، ۷ (۴)، ۲۰۷-۲۲۹.
- دستجردی، م. (۱۳۹۴). بررسی تاریخی فرایند شکل گیری هویت ملی در ایران. *ارائه شده در چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
- ذوالفقاری، ح. (۱۳۷۸). الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات. *مطالعات ملی*، ۹ (۱)، ۳۳-۶۰.
- رضایی، ی. (۱۳۸۵). زبان عرصه هویت زبانی و هویت زدایی. *زربیار*، ۱۰ (۶۰)، ۱۳۵-۱۷۹.
- سجادی، س. (۱۳۹۵). *زبان و هویت. ماهنامه چیا*، ۱.
- عیلانی، ر. (۲۰۱۲). از هویت زبانی تا پایداری فرهنگی. *همایش زبان مادری، مجال ها و چالش ها*. گرگان: دانشگاه پیام نور واحد مرکز گرگان.
- فکوهی، ن.، و آموسی، م. (۱۳۸۸). هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر). *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۲، ۴۹-۷۵.
- قمری، م.، و حسن زاده، م. (۱۳۸۹). نقش زبان در هویت ملی. *زبان پژوهی*، ۲ (۳)، ۱۵۳-۱۷۲.
- گلابی، ف.، حاجیلو، ف.، و ساعی، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر دوزبانگی بر کسب هویت اجتماعی. *دانش سیاسی و بین الملل (توقف انتشار)*، ۱ (۴)، ۶۷-۸۲.
- میرزائی، ح. (۱۳۹۳). مطالعه انسان شناختی هویت زبانی مهاجران افغان در ایران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۸ (۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
- نیازی، م.، شفایی مقدم، ا.، و خدمتکار، د. (۱۳۹۲). زبان و هویت؛ تبیین رابطه زبان خارجی و هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹ (۳۰)، ۱۹۹-۲۲۹.

Reference:

- Abolhasani, Z., and Malmir, M. (2016). Ethnic linguistic identity as a national identity (examination of the tendency to reveal the linguistic identity of Turkish speakers living in Tehran). *Farhangistan Letter*, 16(2), 163-192. [In Persian].

- Adibi Sadeh, M., and Jalali Akerdi, H. (2014). Body management and national identity of youth (Study sample: youth of Sari city). *Sociology of Youth Studies*, 5 (17), 9-32. [In Persian].
- Anbreen, T. (2015). The Influence Of English Second Language Learning On Pakistani University Students' Identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 192 (2015), 379 – 387.
- Bakhtin, Mikhail (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays (trans.) Michael Holquist and Caryl Emerson*. Austin: University of Texas Press.
- Chaili, p. (1382). Identity and language. *Publishers: Hashemi Soodmand, Akhtar*. [In Persian].
- Dastjerdi, M. (2014). Historical study of the process of national identity formation in Iran. *Presented in the 4th Conference od Iranian Islamic Model of Progress*[In Persian].
- Dorian, Nancy C. (1999). "Western Language Ideologies and Small-Language Prospects". *Endangered Languages*. Grenoble, A. Lenore, Lindsay J. Whaley Cambridge University Press (eds), pp. 3-21
- Eilani, R. (2012). From linguistic identity to cultural sustainability. *Mother tongue conference, opportunities and challenges*. Gorgan: Payam Noor University, Gorgan Center Branch. [In Persian].
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fakuhi, N., and Amosi, M. (1388). National identity and ethnic identity in the Kurdistan od Iran (a case study of economic livelihood and identity affiliations among young people working in the informal economy of Piranshahr). *Youth research, culture and society*, (2), 49-75. [In Persian].
- Ghalabi, F., Hajilo, F., and Sa'i, M. (2011). Studying the effect of bilingualism on the acquisition of social identity. *International and Political Science (discontinued)*, 1(4), 67-82. [In Persian].

- Grenoble, L., & Whaley, L. (1999). *Endangered Languages: Language Loss and Community Response*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hosseini, M. (1396). The effect of English teaching on the identity of language learners in post-colonial Islamic countries: a case study of Pakistan. *Islamic World Political Research Quarterly*, 7(4), 207-229. [In Persian].
- Insafpour, N. (2016). Dictionary of the dialect of the people of Evaz along with terms, infinitives, proverbs and grammar of the Evazi dialect. Tehran, *Akhtran*. [In Persian].
- Jenkins, R. (1381). social Identity. Translation of T. Yarah Ahmadi Tehran: *Shiraze*. [In Persian].
- Khatib, M., & Rezaie, S. (2013). A model and questionnaire of language identity in Iran: a structural equation modelling approach, *Journal of Multilingual and*
- Mirzai, H. (2013). Anthropological study of linguistic identity of Afghan immigrants in Iran. *Iranian Journal of Social Studies*, 8 (3), 128-109. [In Persian].
- *Multicultural Development*, 34(7), 690-708.
- Niazi, M., Shafaie Moghadam, A., and Khedmatkar, D. (2012). language and identity; Explaining the relationship between foreign language and individual, social, cultural and national identity. *Cultural Studies and Communication*, 9 (30), 229-199. [In Persian].
- Norton, B. (2000). *Identity and language learning: gender, ethnicity and educational change*. Harlow: Longman.
- Oakes, L.(2001). *Language and National Identity: Comparing France and Sweden*, Amesterdam.
- Qamari, M., and Hassanzadeh, M. (1389). The role of language in national identity. *Linguistics*, 2 (3), 153-172. [In Persian].
- Rezaei, Y. (1385). The language of the field of identification and de-

identification. *Zaribar*, 10 (60), 135-179. [In Persian].

- Sajadi, S. (2015); Language and identity. *Chia Monthly*, 1. [In Persian].
- Shailendra, M.(2013). Linguistic Identity and Language Preference Among The Austro-Asiatic Language Speakers Of Jharkhand . Deccan College Post-Graduate and Research Institute.
- Shohamy, E. (2006). *Language Policy*. New York: Routledge
- Taylor, F.(2011). A quadripolar model of identity in adolescent foreign language learners. PhD thesis, University of Nottingham.
- Umaña-Taylor AJ., & Yazedjian A. (2006).Generational differences and similarities among Puerto Rican and Mexican mothers' experiences with familial ethnic socialization. *Journal of Social and Personal Relationship*, 23(3),445-464.
- Warschauer, M. (2003). The Allures and illusions of Modernity. *Education policy Archives*, 11(38),53-69.
- Zhou, M. (2000). Language Policy and Illiteracy in Ethnic Minority Communities in China. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*,21(2),129-148.
- Zulfiqari, H. (1378). Non-standard patterns in press language. *National Studies*, 9(1), 33-60. [In Persian].